جوانان ودگرگونی

الشباب والتغییر

نوشته:استادفتحی یکن(رح)
مترجم:محمود محبوبی

سخنی از مترجم

زماني كه درشعبۀ عربي دانشكدۀ زبان وادبيات دانشگاه كابل مصروف تحصيل بودم، دراين رشته مضموني به نام مضمون ترجمه،طي دوسمسترتدريس مي شد كه طرق و روش ترجمۀ زبان عربي به زبان دري و از زبان دري به زبان عربي را به دانشجويان بياموزند ودراين اثنا سعي وكوشش نمودم تا دراين بخش ازداشته هاي استادان خود زيادتر استفاده نمايم ،همين بود كه با استفاده ازفرصت حتي خارج از درس بعضي مقاله هاي عربي راد به زبان فارسي ترجمه مي نمودم وبه نزد

استاد مضمون ترجمه مراجعه مي كردم كه اشتباهات آن را اصلاح نمايد بدين لحاظ آهسته آهسته به اين مضمون زيادعلاقمند گرديدم وهمچنان مراحُسن نظروتوجه استادانم در ارتباط به مضمون ترجمه وادارساخت تا دراين بخش شوق وعلاقه زيادتري به من ايجاد گردد، بناءً هنگامي كه رساله «ألشباب والتغيير» را كه دانشمند بزرگ «فتحي يكن» تأليف نموده بود، مطالعه نمودم، واقعا راجع به مسئوليت وزندگي جوانان دربرابرجامعه واسلام مباحث زيبا وقابل ملاحظۀ را احتوا نموده بود، لذاخواستم كه اين رساله را از زبان عربي به زبان فارسي ترجمه نمايم تا

مورد استفاده اهل دانش به ویژه جوانا ن ونوجوانان قرارگرفته وآنها را از موضوعات مهم وقابل درك كه راجع به زنگي شان مفصلا بحث شده است بهرمند سازد. هم اكنون مصروف ترجمهٔ رسالهٔ ديگري به نام (تسامح الا سلام وتعصب خصومه) هستم كه به ياري خداوند آرزو دارم درآينده هاي نزديك به خدمت هموطنان گرامي خود قرار دهم. جا دارد ازدوست عزيز خود استاد ساقي كه در ارتباط به ويرايش اين رساله با من همكاري نمودند تشكر نمايم.

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

ثنا ء وصفت خدای را که ذات یگانه وبی نیاز است. ذاتی که کسی را نزاده و نه از کسی زاده شده است و هیچ کس همتای او نیست .
به خداوند متعال که پرودگار ما است ایمان داشته و آنچه که دیگران غیر از ذات یکتا می پرستند نمی پذیریم.
دراین مورد، آیت شریف است که

خداوند می فرماید : « فمن یکفر با لطاغوت ویؤمن با لله فقد استمسک بالعروة الوثقی لاانفصام لها والله سمیع علیم »
ترجمه:« وکسی که شیطان را نپذیرفته به خدا وند (ج) ایمان آورد، گویا به ریسمان محکمی که هیچ گسستنی نیست دست آویخته. خداوند به آن شنوا ودانا است. » به دین اسلام ایمان داشته ، هراصول و افکاری که با شیوۀ اسلام مغا یرت دارد آن را رد می کنیم ، زیرا دین پسندیده در نزد خداوند (ج) دین اسلام است. کسی که غیر از دین اسلام در جستجوی دین دیگری شود هرگز پذیرفته نمی شود و آن شخص در روز آخرت در زمره زیان کاران

است وهمچنان به محمد (ص) فرزند عبدالله که پیامبر، رهبر و راهنمای ما است ایمان داریم و بر تما م زعما و رهبرانی که به شیوه محمد (ص) رفتار ننموده و شریعت او را تطبیق نمی کنند انکارمی کنیم و این عمل را از ژرفای قلب در هر زمان تکرار نموده وقشر مؤمنه که برحق استوار هستند ، نیزآن عمل را تکرارا انکار می کنند. آنها کساني هستند که مخالفین شان تا بر پا شدن قیامت به آ نها ضرر رسا نیده نمی توانند.

ای دنیا! فریاد کن و گواه باش که ما غیر از محمد (ص) دیگر کسی را پیروی نمی کنیم. به جهاد باور داریم که راه ورود

به سوی بهشت است. چنانچه پیغمبر (ص) می فرما ید :« ألجنة تحت ظلال السیوف.» «جنت زیر سا یه شمشیر ها است». در جهاد یا زند گی است که در بر گیرنده بزرگی وعظمت می با شد، یا چنین نبوده پس در یا فتن مرگ بهترین را ه نجات است. لذا دراین راه اگر زنده بما نیم در بزرگی ثابت واستوار هستیم و اگر می میریم در زیر سایه همیشه و جاوید قرار می گیریم که منظور از آن با غهای بهشت است. کا فی است که در زمره شهدا وفات نما ییم .

بعدازحمد و ثنا به خداوند، این رسا له که به دسترس برادران جوان ما قرار دارد

چکیده وفشردۀ سخنرانی است که در شهر« بیروجا» در ایتالیا به محصلین مسلمان ارائه گردید. اگر موانع عام و خاص حائل ومانع واقع نمی گردید می خواستم در ارتباط به این رساله تحقیق وتوسع زیاد تری داشته باشم ، ولی رساله موجود به شکل مختصر تدوین وتألیف گردیده از خداوند متعال آرزو دارم که توسط افکار وداشته های این رساله به جوانان مسلمان نفع برسد. در حقیقت این رساله یک فکر قلبی ونظر واندیشه مختصر بود که مسافرت وملاقاتم به برادران گرامی ام در ایتالیا آنها را درک کرد. کسانی که بالای آنها باور داشته (هیچ

کسی را جز گمان نیک ندارم) بناءً این رساله را برای جوانان مسلمان در راه دگرگونی اسلامی تهیه نمودم.

چه زیبا فرموده است خداوند (ج) چنانچه بیان می دارد: « لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر آن الارض یرثها من عبادی الصالحون.»

ترجمه: « به تحقیق در زبور بعد از ارائه پند ونصیحت نوشتیم که زمین را بند گان نیک وصا لح میراث می برند» . ثنا باد خداوند بزرگ را، حمد وثنا خاصۀ اوست.

والله اکبر ولله الحمد

فتحي یکن

8 جمادي الاولي 13995 نیسان 1979

•

الحمد لله و الصلاة والسلام على رسول الله

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ﴾

دار الترجمه اصلاح تقدیم مینماید

dartarjuma@gmail.com

ر

دگرگونی و جوانان

مؤلف: فتحی یکن

مترجم: محمود «محبوبی»

ز

معرفی کتاب

نام کتاب : دگر گونی و جوانان

نام عربی کتاب : الشباب و التغییر

نویسنده : فتحی یکن

مترجم: محمود محبوبی

تهیه و دیزاین : دار الترجمهٔ اصلاح

شمارهٔ چاپ اول

تیراژ : هزار جلد

تاریخ چاپ : سرطان سال 1389 هجری شمسی

ناشر : انتشارات اصلاح افکار

بخش نشرات جمیعت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان

آدرس : کابل ، خوشحال مینه ، ساحهٔ الف ، عقب بلاکهای شاداب ظفر

کوچهٔ اصلاح

آدرس انترنتی : Email:eslahmilli@gmail.com

دگـرگـونـی وجوانـان

دگرگونی شعاری است که در این اواخر زیاد مطرح گردیده است و در گذ شته به آن « افکار انقلا بی » گفته می شد. مارکسیسم از آ شکارترین و بارزترین آراء و افکاری بود که به دگرگونی، تشدد وقهرعقیده داشت. مارکسیسم نظریه وایده خود را در روش های که نهضت های کمونستی در دگرگونی نظام ها وهستی های سرما یه داری به آن اعتماد نموده وبه کار برند اظهار می دارد :

« برای جاگزین نمودن نظام کمونیستی به جای سرمایه داری راهی جز انقلا ب وجود ندارد. به عقیده تمامی صاحب نظران انقلابی، جوانان گروهی اند که بالای شان باور واعتماد صورت می گیرد.» اگر تاریخ را تحت مطا لعه قرار دهیم می بینیم انقلاب های که در همه زوایای جهان اتفاق افتاده ویا در آیـنده اتفاق خواهند افــتاد در تحقق وبر آوردن اهداف خود عمیقا به جوانان وابسته بوده وبه آنها اتکاء صورت خواهد گرفت .

اما اسلام از تکیه بر جوانان چه سود خواهد گرفت ؟ ونقش جوانان در مورد تحول و دگرگونی واقعی که اسلام از ایشان آرزو دارد چه خواهد بود؟ این همه موضوعاتی است که دراثنای بحث وتحقیق رساله خود « الشبا ب والتغییر » درتوضیح آن سعی وتلاش خواهم نمود.

چراجوانان ؟

چرا جوانان همیشه مورد توجه قرار می گیرند؟ چرا جوانان دائم مورد اعتماد می با شند ؟ یک موضوع قابل تذکر است که اتکاء بر جوا نان منافی توجه بر بزرگسالان یا تحقیر بر آنان ، یا نا چیز پندا شتن کار وتلاش آنها نبوده ونخوا هد بود. چنانچه کمونست ها زما نی که یکی از رهبران شان بعد از انقـــلاب پیشنهاد نمود که عمـــوما اشخاص مسن وبزرگسال را نا بود سازند تا که آنها بار دوش جامعه قرارنگـیرند ازهمین پروسه اسـتفاده نمودند.

اما از نظر اسلام هر شخص دارای نقش ومؤثریت است که باید نقش آن بدون حسا سیت وجنجال مورد پذیرش قرار گیرد و اسا سات زیر را احتوا ء نماید :

1- خداوند کسی را که موقف خود را شـنا خته وبه آ ن اســـتوار بماند شـا مل رحمـت خود می گرداند .

2- کسی که بزرگان را عزت ننموده وبه کودکان رحم وشفقت نکند از جمله مسلمانان واقعی نیست .

3- حق را از هر خرد و بزرگ که می شــنوی ولو که د شـــمنت با شد بدان باور داشته آن را بپذیر.

4- باطل که از طرف هرخُرد وبزرگ مشاهده شود ولو که ازطرف نزدیکترین کس نسبت به توباشد آن را رد کن .

زمانی که جوانان در چوکات مأموریت های دگرگون سازی مورد توجه عمیق قرارمی گیرند پس تحرکی نیرو و انرژی آنها وابستگی قابل ملاحظه به این مأموریت ها داشته رشد سریع پیدا می کند. درنزد هر انسان درهمه ابعاد زندگی اش قدرت وتوانای های وجود دارد که هر کدام در موقع خاص ومناسب آن باید به کار برده شوند. اگر ادوار مختلف انسانها را عمیقا بررسی نماییم می بینیم که در طفولیت در وضعیتی قرار دارد که در جوانی آن را نداشته دارای اوصاف دیگری می با شد. همچنان در میان سالی از طبعیتی بر خوردار میشود که در کهن سالی درآن حالت قرارندارد و بالاخره در ســـن پـیری رســـیده به پســـت ترین مرحــله مواجه مـــی شود که بعــد از آن هیچ چیزی را نمی داند.

پس چرا در اینجا به جوانان توجه شده ا ست ؟

در واقـع جوانی سـن قصـد و اراده قـوی اسـت، دراین مـوقـع خـون درحالت تحرک وغـلیان بـوده و آرزوهای انسان کوتاه است. جوانی سن فداکاری، عطا ء وبخشش ، سن آموختن واثر پذیری است. برای وضا حت این موضوع به طرح یک مثال توجه شما را معطوف می دارم :

جوانی مرحله است که به موسم بهار شباهت دارد. اگر دقیقا به فرارسیدن این موسم متوجه شویم می بینیم که در این هنگام تمام گیاها نی که به اثر سرمای زمستان خشک ومحو گردیده بودند دوباره روئیده، رشد ونمو کرده نظر بینندگان را به خود جلب می نمایند. به همین گونه سن طفولیت ونوجوانی مرحله ای است که دراین موقع فکر ومغز انسان هر چیز را بسیار به آسانی درک وجذب کرده می تواند. از همینجا است که جوانی از نظر اسلام دارای مسؤ لیت وارزش ویژه می با شد ، بسا اوقات پیغمبر (ص) آرزو داشت که جوانان را به این مسؤلیت واقف وآگاه سازد. آن حضرت در مورد چنین می فرماید :

اغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ : شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ ، وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ ، وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ (المستدرك على الصحيحين للحاكم – 18 / 216)

ترجمه « پنج چیز را قبل از به وقوع پیوستن پنج چیز دیگر

غنیمت بدان : از آن جمله جوانی را قبل از فرا رسیدن پیری، صحتمندی وتندرستی را قبل از دچار شدن به مریضی، ثروت ودارایی را قبل ازفقر وبیچارگی ، زندگی را قبل از فرا رسیدن مرگ، فرصت وبیکاری را قبل از مصروفیت » اگر دقیقا به فرموده پیغمبر (ص) توجه نموده فکر نمائیم درمیابیم که هر کدام از موارد مذ کور ارزش واهمیت قابل ملاحظهٔ را دارا می با شد که باید از هرکدام آنها در مو قع اش استفاده مناسب صورت گیرد. انسان موجوده در طبعیت وتکوینش درسن معینه «جوانی » به آخرین حد تکامل رسیده که بعداً در ضعف وتنا زل مواجه می گردد. خداوند متعال می فرماید :

﴿وَتِلْكَ ٱلْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ ٱلنَّاسِ﴾ آل عمران: ١٤٠

ترجمه: « این روزها را دربین مردم به نوبت وامی گذاریم »

پیغمبر (ص) می فرماید :

« هر نیرو دارای توانمندی است وهر توانمندی راسکون درپی خواهد بود. پس کسی که به سنت وروش من تمایل داشته باشد، یقینا راهیاب است وکسی که خلاف سنت وروش من سلوک ورفتار نماید هلاک خواهد گردید.» ازهمینجا است که باید از سن جوانی استفاده درست نموده وازجوانان در تحقق

اهداف مهم ،رفع مشکلات عمیق ومبارزه در برابر نا ملائمات که قانون دگرگونی آن را ایجاب می کند کار گرفته شود.

چرا جوانان مسلمان ؟

اسلام زما نی که توجه خود را درتحقق اهداف وآرمان دگرگونی بر جوانان مبذول می دارد، به این معنی نیست که جوانها گروه تگ رو وتند رو هستند وبس؛ بلکه اسلام دراین گروه بالاتر ازاین هدف، صفت انتساب، افتخار وپا بندی دراساسات اسلام رامشاهده می نما ید. واقعاً جوانان در صورت متصف به اسلام، با ارزش، با وقار ... بوده وبدون اسلام تمام این حیثیت وارزش را از دست داده بی بهره می ما نند. جوانان به واسطه اسلام در برگیرنده سخاوت ، لطف، عطا، احسان وکلید اساسی دگرگونی محسوب گردیده ودر غیر آن به مصیبت وبد بختی وتهی دستی مواجه ودچار می شوند. جوانان نیروی مستحکمی اند که اسلام آنها را در رفاه،آسایش، تعمیر و بنا ی زمین مسلط ساخته ، اما متأ سفانه برخی آنها را در تخریب ،اغتشاش ومحو نمودن انسانها می گمارند! جا معه انسانی امروزی دارای جوانان زیاد است ولی جوانانی که سرگردان، بیکار، بی بند بار، بی هدف وبی ارزش هستند. واقعا جوانانی که شخصیت، حیثیت وشا یستگی خود را از دست داده مانند شادی

از دیگران پیروی می کند.

- جوانانی که اخلاق انسانی شان محو گردیده به مانند حیوانات زندگی می کنند .
- جوانانی که نیرو وخصلت مردی شان نابود گردیده مخنث (زن صفت) می با شند.
- جوانانی که ازشرارت پیروی نموده درتحت نظام کفر و شیطان زیست می نمایند.

چرا به آماده ساختن جوانان مسلمان توجه شده است ؟

دراینجا نظریاتی مختلف در پیرامون ماموریت ومسؤلیت جوانان وهدف از آماده ساختن شان وجود دارد. باید ما بدانیم که هدف اساسی از آماده ساختن جوانان مسلمان چیست؟ آیا هدف از آماده ساختن جوانان مسلمان تنها این است که خود را از گمراهی، بیراهی، خواهشات نفسانی انگیزه های آشوبگری نگهداشته وآنچه را خداوند بالای آنها فرض گردانیده اداء نموده واز نواهی ومنکرات بپرهیزند وبس؟!

- آیا هدف از آماده ساختن جوانان مسلمان این است که فقط در فرهنگ وکلتور سهم داشته به گفتن ونوشتن اکتفاء نمایند؟
- آیا هدف ازعیار نمودن جوانان مسلمان این است که

مردم را به اسلام دعوت نموده ازاین طریق به نزد خداوند رفع مسؤلیت نمایند؟ که دراین صورت مردم دعوت شان را بپذیرند یا خیر ؟

آیا هدف ازموضوع مذکور این است که جوانان در یک بنیاد اسلامی بوده که از پیشگامان آن بنیاد با شند یا پیروان ویاهم از بازماندگان؟ درواقع ما آزاد نیستیم که یکی از این اهداف را به خواست خود انتخاب نماییم ، زیرا که جها ن اسلام در زیر سایه حکومت های طاغوتی قرار دارد واسلام ازدوره قیادت و رهبری دور مانده است.

واضح است که هدف از آماده ساختن جوانان مسلمان امروز این است که عدالت اسلا می را در جامعه خود ودر همه جهان استوار سازند. که مطلب مذکور به شرایط ذیل دریافته می شود:

- وظیفه جوانان مسلمان انتقال رهبری جامعه بشری از تحت سلطه افکار، قانون ،رسم وعادات جاهلانه

به سوی اندیشه وقانون نهاد های اسلامی می باشد. این همه موضوعات را که اشاره کردیم در واقع وظیفه اساسی جوانان مسلما ن را تمثیل می کند. هدف اساسی ومهم از آماده سا ختن جوانان مسلمان دراین صحنه مکلفیت قانونی وشرعی است که تا

قانون خداوند را حاکم نگردانیده وغیر آن را ذلیل نسازند هیچگاه از دوش شان سا قط نمی شود وهدف نهایی اسلا م تابع سا ختن مردم به خداوند (ج) در تمام زندگی شان است.

چنانچه مردم در اندیشه وشریعت از خداوند متعال اطاعت میکنند در وضع قانون نیز از دسا تیر خداوند (ج) پیروی نمایند.

موضوع فوق این را ثابت می سازد که قلع وقمع بنیاد جاهلیت وفرهنگ ما تریا لسم باعث تأ سیس ایجاد فرهنگ ونظام اسلامی می گردد. واقعاً وظیفه ومأ موریت جوانان، نوآوری واصلاح نمودن جامعه بوده، نه اغتشا ش واختلاف. در واقع این وظیفه نها یت دشوار ولی مطلوب است. جوانان اگر این اهداف را پیگـیری نکنند از ارزش وهویت آنها کاسته شده بالاخره خواست ومیل اساسی شان زیر پا گردیده که هر نوع تغییرات جاهلانه ومعیشت بزدلا نه را می پذیرند.

اسلام، شیوه وطریقۀ دگرگونی است

انقلاب گرایی ودگرگونی از ویژگی های روش اسلامی است. اسلام تسا مح وسهل انگا ری را نپذیرفته به راه حل های ناقص وزود گذر وهمزیستی با جاهلیت راضی نمی شود. چنانچه خداوند می فرما ید :

﴿ وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ
لِلَّهِۚ ﴾ الأنفال: ٣٩

ترجمه : آنها را به قتل برسانید تا فتنۀ با قی نماند ودین خاص برای خداوند (ج) با شد.

روش پیغمبر (ص) دگرگونی بود

روش پیغمبر (ص) در مقا بل نظام جاهلی انقلابی بود. زما نی که قریش به پیغمبر (ص) پیشنهاد نمودند که خداهای باطله شان را یک ماه عبادت نما ید تا آنکه آنها خدای محمد (ص) را یک ماه دیگر عبادت نمایند. آیۀ کریمه نازل گردید وموقف قاطعانه را به پیغمبر (ص) راهنمای نموده فرمود :

﴿ قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ
عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ
٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦ ﴾ الكافرون: ١ - ٦

ترجمه « به کافران بگو که من عبا دت نمی کنم آن چیزی را که شما عبادت می کنید وشما عبادت نمی کنید کسی را که من عبادت میکنم ومن اطا عت کننده نیــستم آنچه را که شما اطاعت می کنید وشما اطاعت کننده نیستید کسی را که من اطاعت می کنم، شما دین تان را پیروی کنید ومن دینم را پیروی می کنم .»

و آیت شریف دیگری است که خداوند (ج) می فرما ید :

﴿ فَلِذَٰلِكَ فَٱدۡعُۖ وَٱسۡتَقِمۡ كَمَآ أُمِرۡتَۖ وَلَا تَتَّبِعۡ أَهۡوَآءَهُمۡۖ وَقُلۡ ءَامَنتُ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ مِن كِتَٰبٖۖ وَأُمِرۡتُ لِأَعۡدِلَ بَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمۡۖ لَنَآ أَعۡمَٰلُنَا وَلَكُمۡ أَعۡمَٰلُكُمۡۖ لَا حُجَّةَ بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكُمُۖ ٱللَّهُ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَاۖ وَإِلَيۡهِ ٱلۡمَصِيرُ ١٥ ﴾ الشورى: ١٥

ترجمه « بناءً دعوت کن چنانچه امر کرده شدی، استوارباش، خواهشات شان را پیروی مکن وبگو به آن کتابهای که خداوند فرستاده است ایمان آوردم ، خداوند پروردگار ما وشما است ، مرا کردارم وشما را کردار تان ، برهان در بین من وشما نیست، خداوند ما وشما را در روز قیامت جمع می کند و باز گشت به سوی اوست» .

ساختارملت اسلامی دگرگونی را لازم می داند

ازاینکه جوانان به چلینج های وقت وزمان مواجه هستند باید انقلابی ومتحرک باشند تا بتوانـند نظریات ما تریالستی و خرافــات جاهلی که کیــان وموجــودیت امــت اســلامی را به زوال وفــناء تحدیـد میکـند مـتوقـف نموده ومحو سازند. اگر در وضعیت کنونی مسلمانان درتمام جهان دقیقا توجه شود، آمادگی جوانان مسلمان را در برابر این حالت رقتبار لازم وجدی

پنداشته قیام وایستادگی شان را وجیبه قانونی می داند و در عین حال سهل انگاری وسستی را در این راستا مجاز نمی داند.

حکمت دگرگونی اسلامی

دگرگونی مطلوب واساسی طوری که بعضی اشخاص فکر می کنند فلسفه پیچیده وجاه مانده نیست، بلکه همین حکمت اساسی ومهم در اسلام است. درمورد، فشرده سخنان یکی از مسلمانان (ربعی) بن عامر را تذکر می دهم:

زمانی که رستم سر لشکر فارس از(ربعی) در ارتباط لشـکر شـان پرسید (ربعی) فرمود: «خداوند ما را خلق کرده که مردم را از عبادت وپرستش خداوند یگانه واز تنگی دنیا به وسعت وفراخی آن ... واز ظلم وستم ادیان به سوی عدالت اسلام جذب نماییم ، ما را مسلمان خلق کرد تا مردم را به اسلام دعوت نماییم، کسی که دین اسلام را پذیرفت مال وجان او به امن می با شد، اما کسی که از دین اسلام اباء ورزید او را قبول نکرده علیه او مبا رزه می نما ییم تا جزای اعمال خود را مشاهده نماید.»

ویژگی های دگرگونی اسلامی

دگرگونی اسلامی به ویژگی های اعتقادی واخلاقی خود از سایر مفکوره های انقلابی جهان متفاوت است. بسا موضوعات را نظریات انقلابی دنیا دارا بوده که مفکوره انقلاب اسلامی آن را نمی پذیرد. اسلام در بافت تصور فکری، اندیشه و روش انقلابی خود اسلوب ویژه ای را دارا می با شد.

برخی ازویژگی ها

الف) مرکز دگرگونی : تحول و دگرگونی اسلامی تنها یک بخش از زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیا سی و یا عقیدتی نیست، بلکه این تحول در ذات خود یک راه واضح است که صرف در دگرگونی اسلامی مشاهده می شود. تحقق دگرگونی اسلامی ازطریق سازش، عجله وحملات ناگها نی عسکری ممکن نبوده، بلکه ناگزیر برای تحقق این اهداف از انگیزه ها وارزیابی های که دگرگونی اسا سی، فکری، نفسی و

طبقه اساسی جامعه انسانی به آن استوار با شد کار گرفته شود.

ب) اعتقادات دگرگونی: سرشت و روش اعتقادات اسلامی به دگرگونی یقین و باور دارد، چوکاتی که سیاست دگرگونی اسلامی را متمایز می سازد بر دو ستون اساسی متمرکز می شود:

اول : بهبودی هدف نهایی روش دگرگونی اسلامی، هدفی که پیمانه دگرگونی حزبی، سیاسی وعسکری را مورد توجه قرار ندهد.

دوم : بهبودی وسیله ضمانت طرح ریزی وساز گاری آن به روح اسلام تا که دگرگونی اسلامی را از هر نوع شکست و واکنش حفظ وحمایت نماید.

اسلام دگرگونی را هدف نهای قرار نداده، بلکه یک وسیلهٔ بر پاداشتن امر خداوند (ج) و اجرای حاکمیت آن می باشد. هر زمانی که دگرگونی این اهداف را تضمین نکند یقینا با عث عقب ماندگی اسلام می گردد.

ج) دگرگونی مردمی : هدف دگر گونی اسلامی وانسانی درپیمودن اهداف نیک راه های غیر مشروع را پیروی نکرده، به نایل گردیدن اهداف مهم وعالی از کار های پست و ناشایسته استفاده نکرده، به خون واستخوان مردم آپارتمان ها را اعمار نمی کند. هنگامی که « تکاچوف» رهبر کمونست ها به محو و بر انداختن کسا نی که عـمر شـان از 25 سال تجاوز نموده بود

تهدید کرد که آنها فکر واندیشه های مارکسیزم(Marxism) را تمثیل وپیاده کرده نمی توانند ما را اسلام به مهربانی وروش انسانی در بسیاری از حوادث وپیش آمد ها توصیه می نماید. روزی که مسلمانها مکه مکرمه را فتح نمودند ابوبکر صدیق (رض) پدرش را که مشرک بود نزد پیغمبر(ص) آورد. وقتی که پیغمبر (ص) او را دید به ابوبکرگفت: «چرا این مرد بزرگ سال را در خانه اش نماندی که من نزدش می رفتم.» ابوبکر فرمود: « ای رسول خدا ازین که تو نزد وی بروی او مستحق تر است که نزد تو بیاید.» بعدا پیغمبر (ص) او را پیش روی خود نشا نده ، سینه اش را مسح نموده فرمود: که دین اسلام را قبول کن. آن مرد دین اسلام را پذیرفت. بناءً دگرگونی اسلامی در ویژگی های خود مردمی بوده، در سرشت خود اخلاقی ودر وسا یل و اهداف نهایی خود عقیدوی می با شد.

دگرگونی و انقلابی گری از نظر دیگران

زمانی که مفهوم ومعنای دگرگونی اسلامی را درک کردیم. باید بدانیم که تغییر ودگرگونی از دید گاه روش های اعتقادی

چی معنا ومفهوم دارد ؟

(الف) ازدید گاه کمونیستی :

کمونست ها بر دگرگونی تکیه می کند که کینه توزی را در فکر واندیشه دهاقین برانگیختانده، روحیه انتقام جویی وغلبه گرای را دربین گروه های یک جامعه ایجاد می نماید. به این لحاظ «مارکس» دربیانیهٔ که دهاقین را مخاطب قرارداده بود می گوید: « شما باید جنگ های بین القومی را از پانزده الی پنجاه سال دربین قبایل شعله ور سازید تا قدرت سیاسی را به دست آرید.» بابون می گوید: « دیکتاتوران وبزرگان قوم وملیون ها مذهبی را به قتل برسانید. » بردون چنین می گوید: « مردم با ید درک کنند که برای تضعیف قدرت مندان به جز نا بودی شان دیگر هیچ راه وجود ندارد.» کمونست ها در راه تحقق انقلاب از تمامی وسایل معقول وغیرمعقول استفاده نمودند. «لینین» می گوید: « پیروان حزب کمونست باید از انواع مختلف فریب، خیانت وگمراهی استفاده نمایند. برای مبارزهٔ کمونستی به کار بردن هر نوع وسیله یک هدف مهم وبزرگ است. بسا اوقات تحقق هدف بزرگ به کار بردن وسایل نامشروع ضرورت دارد.» بناءً کمونست ها کارانداختن هرنوع وسایل را تا هنگامی که

برتثبیت اهداف کمونستی سازگار باشد محترم می شمردند .

(ب) از نظرانقلاب فرانسه :

انقلاب فرانسه قیامی دربرابر ظلم ،استبداد ودکتاتوری سیاسی جامعه بود که از وسایل غیر اخلاقی پیروی می نمود،از رموز واساسات که باعث پیشرفت وترقی بود کاملامخالف بود . «مارا» می گوید : «این چه ظلم است ؟ آیا کسی است که قدرت گواهی دادن را نداشته باشد که من یکتعداد سرها را به خاطر نجات دیگران قطع می نمایم.» لوثر، مردم را به خاموش نمودن انقلاب فرانسه تحریک نمود می گوید: «کسی که توان کشتن را دارد بکشد ، آشکارا وپنهان دست به اختناق بزنند. بناءً هرقسم که دل تان خواست، بکشید وذبح نمایید وگلوی دهاقین انقلابی را بیفشرید.»

ج) درپرتوکول های صهیونیزمی : دید گاه انقلاب یهود، استفاده از تمامی کارهای غیر اخلاقی را در پیشبرد انقلاب خود مباح می پندارد درپروتوکول اول : واقعا سیاست درهیچ مرحله به اخلاق سازگار نبوده زمامداری که پابند اخلاق باشد در واقع شخص سیاسی زیرک وماهر نیست. ما اساس انقلاب خود را چنین طرح ریزی می کنیم : برای به دست آوردن اهداف به کار

انداختن وسیله مهم است. ما به ااندازۀ سوی اخلاق نیک گام می نهیم تا زما نی که مفید وضروری باشد.

درپروتوکول دوم : با ید به مردم روحیه کینه توزی و حسد را ایجاد نماییم که منجر به فقر وتنگدستی گردد. به وسیله این طرح به آسانی اهداف خود را به دست می آوریم.

(د) رویدادهای انقلابی درمما لک عربی :

کشور های عربی دراثنای ربع سده (قرن) گذشته شاهد تلاشها وحرکات متنوع بودند. که راجع به حرکات شان نظریات وجود دارد که آن ها تحرکات میهن پرستی، قومی، قبایل وسوسیالیستی کمونستی وغیره بوده. همه آنها حرکاتی بود که شامل خونریزی، هتک کرامت انسانی، مثله نمودن اجسام وآلوده انتقام جوی بود. در واقع دگرگونی های بی جهت آن زمان کاملا در دایره بدبختی و قصاب صفتی وحشتناک آمیز منحصربود. درحالی که امت جهان اسلام به دگرگونی که در برگیرنده سکون ،آرامی،رفاه وامن از خوف وترس باشد احتیاجی داشته که این گونه دگرگونی به جز از دگرگونی اسلامی ممکن نیست، زیرا که اسلام این همه مزایا را در ضمن دارد.

مفهوم دگرگونی اسلامی

تفاوت آراء و نظریات در ارتباط انقلاب گری اسلامی ما را وادار می سازد که تعریف دقیق واساسی را برای دگرگونی اسلامی پیشکش نماییم تا از هر گونه نظریات غلط وغیراسلامی پاک ومبرا باشد.

ـ دگرگونی اسلامی جلوه گاه سیاسی مملکتی از مما لک نیست .

ـ دگرگونی اسلامی دستور تثبیت شده یک دولت نیست که به مقتضای آن بعضی نواهی را حرام قرار داده وبرخی اوامر آن راتطبیق کند.

ـ دگرگونی اسلامی به منزله قانون اساسی توشیح شده یک کشور نیست که بر مبنای آن دین آن دولت ویا دین رئیس جمهور آن اسلام باشد.

ـ دگرگونی اسلامی به دار آویختن منحرفان سیاسی واخلاقی ونافذ نمودن حکم اعدام یک جامعه نمایان نمی گردد.

ـ دگرگونی اسلامی درپی محو نمودن با طل که باعث اظهار شدن حق نبا شد نیست .

ـ دگرگونی اسلامی به باور های علمی در تضاد نبوده ودر پیشرفت های امروزی منافات ندارد. یقینا دگرگونی اسلامی مبنی بر شکستاندن اساس وبنیادهای مقننه وفکری جامعه جاهلی و

جاگزین نمودن اندیشه ها واساسات وقوانین اسلام استوار میباشد.

ـ دگرگونی اسلامی عبارت از منقاد گردانیدن مردم به خداوند درتمام ابعاد زندگی است.

ـ دگرگونی اسلامی اینکه زمامداران جامعه به راه خداوند حکومت کنند .

ـ دگرگونی اسلامی دگرگونی اساسی است که برعادات وسرشت جاهلی سازگار نیست.

چرا دگرگونی اسلامی ؟

واقعاً دگرگونی اسلامی طبق اوصاف مذکور از یک سو فرض شرعی است که باید انجام داده شود واز طرف دیگر ضرورت انسانی است، زیرا که معطل قرار دادن حاکمیت دین خداوند در جهان ومسلط بودن ساختار وقوانین ضد اسلامی و بشری قیام وتغییرات را بر مسلمانان لازم گردانیده واقامه حکومت اسلامی را ضروری می پندارد.

﴿ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾ ﴾ النساء: ٦٥

ترجمه «قسم به خداوند! ای پیغمبر به تو ایمان نمی آورند تا

که تو را حاکم قرار دهند درآنچه که دربین شان مشکل واقع شده ودر آنچه که تو فیصله نمودی احساس تنگی نمی کنند تابعدار ومنقاد می باشند»

﴿ وَمَا ٱخۡتَلَفۡتُمۡ فِيهِ مِن شَيۡءٖ فَحُكۡمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّي عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُ وَإِلَيۡهِ أُنِيبُ ١٠ ﴾ الشوری: ١٠

«درآنچه که اختلاف نمودید قضا وفیصله آن به خداوند راجع می شود خداوندی که پروردگار من است به او اتکا نموده وبه سوی او رجوع می کنیم.»

واقعاً تحقق جامعه اسلامی بدون دگرگونی ممکن نیست. دراینجا لوازم واحکام شرعی است که اجرای آن بدون دولت اسلامی ممکن نیست. مفهوم قاعده شرعی است « آنچه که واجب بدون آن تمام نمی شود خودش واجب است.»

دگرگونی اسلامی ضرورت انسانی است که راجع به آن اسباب وعلل متعددی را به طور فشرده پیشکش می کنیم:

- نجات بشر از فقر و بیچارگی که تمدن غرب به جا گذاشته است.
- نفس ورشکستگی تمدن غرب دگرگونی اسلامی را ضرورت مبرم می پندارد.

• فروپاشی مذهبی در جهان و در اخیر فروپاشی چین دگرگونی اسلامی را مَؤثق تر می سازد.

• اگر عمیقا به وضعیت زندگی سرزمین های اسلامی متوجه شویم ایجاد دگرگونی اسلامی را اکیداً ایجاب می نماید .

• اینجا سرزمین های وجود دارد که می خواهند در زیر سایه اسلام زندگی نمایند ولی نظر به بُعد مسافه از مسلمانان، دین اسلام به آنها طوری غیر منصفانه وانمود می گردد که آنها از دین اسلام متنفر شده اسلام نیاورند !

• اینجا نواحی دیگری درجهان اسلام وجود دارد که از تسلط گروه های چپ و راست شاکی هستند، احزاب چپ و راست بالای آنها با اسلحه جنگی مسلط بوده علیه اسلام جنگ آشتی نا پذیر دارند وهمچنان نواحی دیگری درجهان اسلام وجود دارد که خود را به شرق وغرب به اردوگاه های مختلف به فروش رسانیده ، ملت وقدرت دولت خود را در خدمت استعمار قرار داده است. یقیناً رویداد های تلخ که دربالای ملت مسلمان وجهان اسلام صورت گرفته ومی گیرد دگرگونی اسلامی را برای نجات عالم اسلام اکیدا لازم می گرداند.

اولا نجات ورهایی جهان اسلام از حالت موجوده وبه دست آوردن مقام رهبری در رهنما یی بشر. درمرحله دوم رهای بشر

ازهلاکت وسرگردانی که به آ ن مواجه است.چنانچه خداوند(ج) می فرماید:

﴿ وَكَذَٰلِكَ جَعَلۡنَٰكُمۡ أُمَّةٗ وَسَطٗا لِّتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِ وَيَكُونَ ٱلرَّسُولُ عَلَيۡكُمۡ شَهِيدٗاۗ ﴾ البقرة: ١٤٣

ترجمه : « همچنان شما را امت میانه گردانیدیم تا به مردم گواه باشید وپیغمبر به شما گواه باشد.

برخی ازمردم به این عقیده هستند که دگرگونی اسلامی به جز دریافتن ثواب خداوند (ج) ونجات ازعذاب آن درآخرت فایده دیگری ندارد. ولی ما می گوییم که به دست آوردن ثواب ونجات از عذاب موضوعی است که ارزش آن واضح است، درواقع دگرگونی اسلامی دست آوردهای مهم را در این دنیا نیز درقبال دارد، که از آن جمله :

- استحکام وپایداری ایمان، موجودیت، عقیده واخلاق مسلمان.
- استواری وپایداری وحدت ویکپارچگی، نیرو وقوت و توانمندی حل مشکلات سیاسی ونظامی مسلمانان.
- تحقق خود کفایی ومساوات در زندگی اقتصادی مسلمانان.
- تحکیم تامین صلح وامنیت در زندگی اجتماعی مسلمانان.

- استحکام رهبری سالم وپسندیده، خانواده صالح ، جامعه ودولت نیک وصالح.
- تحقق توسعه وگسترش اسلام درسراسر جهان.
- تحقق اظهار اساسات وقاموس اسلام که عملاً تثبیت کننده واقعیت ها است.
- برقرار وجاگزین نمودن نیروی ثالث دربین گروهای جنگ طلب ، تثبیت مساوات درجهان ، مبارزه علیه نیروهای شرق وغرب ودفع تجاوز های دائمی آنها ، تضمین زندگی وحقوق گروه های مستضعف وتأمین معیشت آبرومندانه شان.
- تثبیت قیادت ورهبری اندیشه ها وسلوک اسلامی بعد از فروپاشی ودرماندگی تمدن غرب درجهان.

تثبیت دگرگونی اسلامی یعنی چی ؟

ما زمانی که مردم را به دگرگونی اسلامی دعوت می دهیم باید حقیقت ونتیجه آن را درک کنیم. واقعا تحقق دگرگونی اسلامی کار عادی وساده نیست ویا انقلاب مانند دیگر انقلاب ها نیست. یقینا دگرگونی اسلامی به زود ترین فرصت اسلام را نظام ومنهجی مطرح خواهد نمود که در برابر آن نظام دیگری

درجهان وجود نداشته باشد.

- ازاین جهت زود است که تمامی نیروها وقدرتهای روی زمین برای توقف نمودن دگرگونی ونهضت اسلامی قیام نمایند .
- ازین رو زود است که نیروی یهود ، عیسوی ها وکمونست های جهان بر ضد دگرگونی اسلامی گرد هم آیند.
- ازین خاطر زود است که اکثر گروه های عربی بر ضد دگرگونی اسلامی هماَ هنگ شوند .
- ازین جهت به زودی تمامی گروهای بنام مسلمان درضد دگرگونی اسلامی معامله نمایند.

یقینا راه دگرگونی اسلامی بس دشوار وخطرناک بوده ولی یگانه راه حق ومستقیم است. « حق برتراست که پیروی شود.»

﴿ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا فَٱتَّبِعُوهُۖ وَلَا تَتَّبِعُواْ ٱلسُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمۡ عَن سَبِيلِهِۦۚ ﴾ الأنعام: ١٥٣

ترجمه: «یقینا این راه من مستقیم است، ازآن اطاعت وپیروی کنید ، راه های مختلف را پیروی نکنید ، پراگنده می شوید.»

﴿ فَمَاذَا بَعۡدَ ٱلۡحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُۖ ﴾ یونس: ٣٢

« بعد از حق جز گمراهی نیست.»

انتخاب شایسته

یقینا وظیفه دگرگونی که اسلام آن را به خاطر رهایی انسانها ازگودال های جاهلیت و ورطه های هلاکت فرض گردانیده مشکل بوده وبه جوانان که با اهلیت وتوان مند هستند نیاز دارد.

درروش انتخاب شایسته ذیلا نگاشته می شود: شیوه انتخاب با اهلیت موضوع نو وتازه نیست ... آن شیوۀ مهم ومثبت است که به دگرگونی ها ی مهم در مسیر تاریخ وتوانمندی های بشراز نگاه کمیت وکیفیت متفاوت است. اگردقیقا متوجه شویم می بینیم کاری که یک انسان انجام می دهد انسان دیگر ازعهده آن کارنیست. یک شخص توانایی کاری دارد که شخص دیگر از آن بر خوردار نیست. چه زیبا فرموده است پیغمبر (ص) که تفاوت واختلاف استعداد ها مردم را در فراگیری علم، عفو وبخشش ... تصویر نموده بیان می دارد : «مثال رسالت من که ازجانب خداوند با علم ودانش برای هدایت مردم گزیده شده ام مانند باران بزرگ است که بر زمین ببارد وبرخی از آن زمین پاک بوده آب را جذب نموده علف ونباتات زیادی را می روياند وبرخی ازآن زمین خشک وبی گیاه بوده که آب را نگاه داشته ذریعه آن خداوند (ج) به مردم نفع می رساند که از آن می

نوشند، کشت وزراعت خود را آبیاری می کنند وقسمتی دیگری از آن زمین که هموار ودشت بوده آب را ذخیره نکرده گیاه ها را نمی رویاند واین مثال کسی است که دین خداوند (ج) را آموخته وبه دیگران بیا موزاند وهمچنان مثال کسی است که هیچ توجه به دین اسلام نداشته وبه آنچه که من فرستاده شدم باور ندارد.» این روش پیامبر او را وادار ساخت قبل ازین که دعوت را به قبایل عرب پیشکش نماید، برای دعوت به دین اسلام اشخاص توانمند ، با اراده وبا علا قه را انتخاب نمود تا توسط آنها دین اسلام را درتمام جهان گسترش دهد. پیامبر (ص) به اساس اختیار وانتخاب قدم به قدم درحل مسا یل مشکل وعمده گام می گذاشت. در روز فتح خیبر فرمود : این بیرق را یقینا به کسی می دهم که خداوند (ج) توسط او خیبر را فتح نماید. خدا و رسول را دوست داشته خدا و رسول او را دوست داشته باشد. زما نی که صبح شد تمام مردم نزد پیامبر (ص) رفتند هریکی امید وار بود که بیرق اسلام به اوسپرده شود ، دراین هنگام پیامبر فرمود: « علی بن ابی طالب کجا است ؟ کسی گفت ای رسول خدا اوچشم درد است. فرمود نزد اوکسی را بفرستید. او را آوردند پیامبر (ص)از لعاب دهنش به چشم های اومالیده برایش دعا کرد. حضرت علی شفا یافت طوری احساس می

کرد که هیچ درد نداشته با شد ، سپس پیغمبر (ص) بیرق را به او سپرد » قرآن کریم در ارتباط به انتخاب دربسا آیات از پیامبران ورسولان نقل قول کرده اشاره می نماید، دررابطه با برگزیدن موسی (ع) به پیغمبری می فرماید :

﴿ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّي ٱصۡطَفَيۡتُكَ عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِي وَبِكَلَٰمِي فَخُذۡ مَآ ءَاتَيۡتُكَ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ١٤٤ ﴾ الأعراف: ١٤٤

ترجمه: « من ترا بالای مردم به پیغمبری ورساندن کلام خود برگزیدم وآنچه را به تومی دهم عمل کن و از جمله شاکرین باش» وهمچنان بیان می دارد :

﴿ وَأَنَا ٱخۡتَرۡتُكَ فَٱسۡتَمِعۡ لِمَا يُوحَىٰٓ ١٣ ﴾ طه: ١٣

ترجمه: « من ترا انتخاب نمودم و به آنچه که به تو وحی می شود گوش فرا ده»

ومی گوید :

﴿ وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي ٤١ ﴾ طه: ٤١

ترجمه: «ترا برای خود برگزیدم.»

ودرانتخاب بی بی مریم خاطر نشان می سازد :

﴿ وَإِذۡ قَالَتِ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرۡيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصۡطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٤٢ ﴾ آل عمران: ٤٢

ترجمه :« وقتی که ملائک گفتند ای مریم یقینا خداوند ترا

برگزیده وپاک گردانیده وترا بالای دیگر زنان جهان برتری داده»

ودرانتخاب حضرت آدم ، نوح و ابراهیم می فرماید :

﴿ ۞ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصۡطَفَىٰٓ ءَادَمَ وَنُوحٗا وَءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ وَءَالَ عِمۡرَٰنَ عَلَى ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٣ ذُرِّيَّةَۢ بَعۡضُهَا مِنۢ بَعۡضٖۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٣٤ ﴾ آل عمران: ٣٣ - ٣٤

ترجمه: « یقینا خداوند حضرت آدم ،نوح ،آل ابراهیم وآل عمران را دربالای دیگرمخلوقات برگزیده ،آنها اولادی هستند که بعضی از بعض دیگر هستند و الله شنوا و داناست»

ودرانتخاب پیغمبر (ص) که پیغمبر صلی الله علیه وسلم خودش حکایت می کند :

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى كِنَانَةَ مِنْ وَلَدِ إِسْمَعِيلَ وَاصْطَفَى قُرَيْشًا مِنْ كِنَانَةَ وَاصْطَفَى مِنْ قُرَيْشٍ بَنِي هَاشِمٍ وَاصْطَفَانِي مِنْ بَنِي هَاشِمٍ (صحيح مسلم – 11 / 380 عن واثله بن الأسقع)

ترجمه «یقینا خداوند کنانه را ازاسماعیل برگزید وقریش را از کنانه وبنی هاشم را از قریش ومن را ازبنی هاشم برگزید.»

دساتیر اساسی درمورد شایستگی

موضوع واضح ومبرهن است که توانایی ها واستعدادهای

اشخاص متفاوت هستند. اینجا عوامل زیاد وجود دارد که این تفاوت ها را ارزیابی وبر رسی می کند ، که برخی ازآن ها ذاتی وغریزی ،برخی دیگری ارثی وبرخی هم اکتسابی می باشد. انتخاب شایسته باید به استعدادی اعتماد نماید که ثابت ،استوار وپایدار باشد

ازآن جمله است :

1- استعداد قانون گذاري است :

واقعا استعداد قانون گذاری بارزترین صفت است که جوانان مسلمان را در وظیفه دگرگونی آماده می سازد. قانون گرایی یک استعداد ذهنی است که انسان را در پابندی کارها متوجه می سازد. زمانی که این استعداد محو شد،به تدریج ماده اطاعت وفرمان برداری کاسته شده بالاخره توانایی اجرأت نیز منعدم می گردد. هنگامی که از توانایی روحی ،فکری وجسمی استفاده نشود حفظ ونگهداری آن بی ارزش می شود. که بسا اوقات توانایی ها کند ومخرب وانمود می شوند .

2- استعداد نو آوري :

کسی که دگرگونی را می خواهد باید در او صفت نوآوری ، اعطا وابتکار نهفته باشد. صفتی را دارا باشد که او را پیش گام سازد نه دنباله رو، چالاک واثرپذیربوده نه گمنام. نوآوری صفتی است که شخص را در چوکات وظایف پیشگام وانمود می کند. اما کسا نی که به ذریعه سرزنش و فشار حرکت می کنند اسلام امروز به آنها نیاز ندارد.اسلام به کسانی نیازمند است که باعث اعتلای آن گردیده ازآن دفاع نمایند ، کسی که ازچنین صفت برخوردار نیست اسلام به اوضرورت ندارد.

3 - استعداد سعي وتلاش :

ازصفاتی که جوانان مسلمان را به وظایف دگرگونی اسلامی آماده می سازد صفت جهادی است که مبنی بر سعی وتلاش می باشد. وایجاب می کند که در این را ه جان ، مال ومحبوب ترین اشیا به کار برده شود . صفت جهادی جوانان مسلمان را نیرو مند و وفا دار تربیه نموده به عهد وپیمان شان مستحکم می گرداند . خداوند می فرماید :

﴿ إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم بِأَنَّ

لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقۡتُلُونَ وَيُقۡتَلُونَۖ وَعۡدًا عَلَيۡهِ حَقّٗا فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِ وَٱلۡإِنجِيلِ وَٱلۡقُرۡءَانِۚ وَمَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِۚ فَٱسۡتَبۡشِرُواْ بِبَيۡعِكُمُ ٱلَّذِي بَايَعۡتُم بِهِۦۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ﴿١١١﴾ ﴾ التوبة: ۱۱۱

ترجمه: « یقینا خداوند از مومنان جان ها ومال های شان را می گیرد به خاطری که برای شان جنت را اعطا فرموده ، آنها به رضای خداوند می جنگند دشمنان را به قتل می رسانند وجان های خود را قربان می کنند. وعده خداوند به تورات، انجیل وقرآن حق است، ازخداوند وفا کننده تر به وعده خود کیست ؟ به بیع وشرای خود بشارت حاصل کنید. که آن یک کامیابی بزرگی است.»

هرجوان مسلمان که وظیفه دگرگونی را به عهده دارد ایجاب می کند که متصف به این صفت بارز باشد. واین صفت اساسی است که صفات دیگری را ایجاد می کند .

نگاه مختصربه اشیای ناپسندیده و قابل علاج :

یقینا آماده ساختن جوانان مسلمان در برابر مشکلات وبه وجود آوردن دگرگونی اسلامی تکافووتوانایی شان را درایجاد وظیفه موکوله ایجاب می کند. جوانان امروزی مرتکب کارهای

می شوند که آنها را ازپیشبرد وظیفه اصلی شان بازمی دارد برخی را به دست آوردن قدرت ویا منصب ازتعقیب نمودن هدف اساسی منصرف می سازد. خلاهای ذیل که بسا اوقات باعث بد نامی شخصیت جوانان مسلمان می شود باید درنظرگرفته شود:

1- غلبه جنبه منفي برمثبت

ازموضوعات نا پسندیده ای که شخصیت برخی جوانان مسلمان را زیر سوال قرارمی دهد دست به کار شدن درمواردی که قابل بحث وگفتگو نبوده،آنها را ازاهداف اساسی شان بازمی دارد وهمچنان بعضی جوانان بدون تحقیق و بررسی در موضوعات می پردازند که باعث کندی در پیشبرد موضوع اصلی می گردد ویا اینکه مصروف گردیدن به همچوموضوعات سبب گوشه گیری آنها می گردد. درزمان پیغمبر(ص) یکی از مسلمانان ازمردم کناره گیری نموده بود که درقله کوهی مشغول عبادت بود ،او را نزد پیغمبر آوردند پیغمبر (ص) به اوگفت «صبر وتحمل یکی ازشما درموقعی ازمواقع جهاد ازعبادت شصت سال بهتراست.» پیغمبر(ص) ازبین دوکارانتخاب ننموده

مگراوسط آن را، تا زمانی که با شریعت مغایرت نداشته. یکی از وصیت های مشهور پیغمبر(ص) است که می فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ (صحيح مسلم – 4 / 188 عن عايشة رضي الله عنها)

ترجمه : « محبوب ترین اعمال نزد الله با دوام تر آنست اگر چه مقدار آن کم باشد.»

ایمان باید تحرک وعمل را بپذیرد ورنه ناقص ومشکوک می باشد، زیرا تمامی آیات قرآنی به این اشاره می کند که باید ایمان عمل را درقبال داشته باشد. خداوند می فرماید :

﴿ لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ ﴾ النساء: ١١٤

ترجمه: « دربسیاری راز و نیازشان خیرنیست مگرکسی که به صدقه حکم نماید »

2- غلبه نظراندازی برواقعیت گرایی

ازآثار وعلایم نا مناسب ،توجه فکرواندیشه ها درکارهای بی اساس که منجربه کناره گیری این گروه گردیده نمی خواهند خود را به واقعیت موضوع برسانند به نظریات سرسری اکتفا نموده بالاخره دراهداف شان ناکام می مانند.

دگرگونی اسلامی ازخلال نظریات واهی وبی اساس تحقق نمی یابد، این گروه اسباب وعلل ناکامی خود را به این شکل توجیه می کنند: این تقدیرخداوند است که ما اشخاص غریب آخرزمان باشیم، اگر بردگرگونی هم نرسیم وبه گروه باطل غلبه حاصل نکنیم چون که برحق هستیم برای ما کافی است. ولی در واقع این نظریه کاملا اشتباه است ،زیرا که آنها به وسایل دگرگونی عمل نکردند که خداوند (ج) آن ها را به اثبات وتحقق آن موفق سازد. آنها راه های را که خداوند برای دگرگونی وضع نموده جستجو نکردند به این فکرکه دگرگونی کارساده بوده بدون مشقت تحقق می یابد، آنها به این قول خداوند توجه نکردند.

﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ﴾ الرعد: ١١

ترجمه: « یقینا خداوند به نعمت های هیچ قومی تغییر نمی آورد تا که آنها به نفس های خود تغییر نیاورند»

اسباب به مسببات خود ارتباط دارد، ازاسباب به ویژه درکارهای دشوار مانند وظیفه دگرگونی باید استفاده شود، دستورخداوند است که فروگذاشتن، کندی وسستی به آن مجازنیست. بسا آیات قرآن شریف به آن اشاره می کند ازآن

جمله :

﴿ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ ﴾ الأنفال: ٥٣

ترجمه :« این موضوع ثابت است خداوند تغییردهنده نعمت که برقومی اعطا فرموده نیست تا آنکه آنها برنفسهای خود تغییرنیاورند.»

3- غلبه زیاده روي برمساوات

ازبارزترین موضوعات نا پسندیده که درشخصیت جوانان مسلمان ما مشاهده می شود پدیده زیاده روی وبی عدالتی است، که همین پدیده شوم نه تنها جنبش اسلامی را درخطرمواجه ساخته، بلکه تمام مسلمانان جهان را آسیب پذیرمی سازد. در واقع این پدیده در برخی ازجوانان مسلمان ظاهرشده که منجر به تکلف و زیاده روی می شود. درحالی که پیغمبر (ص) امت خود را از ارتکاب چنین موضوع جدا هوشدار داده می فرماید :

هَلَكَ الْمُتَنَطِّعُونَ قَالَهَا ثَلَاثًا(صحیح مسلم – **13 / 154**)

ترجمه:« آگاه باشید متکلفین هلاک شدند و این سخن را سه مرتبه تکرار کردند»

إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ(مسند أحمد –**26 / 126**)

« یقینا این دین مستحکم و متین است پس به نرمی در آن داخل شوید»

گاهی زیاده روی درچوکات کار دعوت وجذب مردم به سوی اسلام تبارز نموده که منجر به عکس مطلب می گردد که درنتیجه به جای بشارت نفرت، به جای روی آوردن پشت گردانیدن ارائه گردیده که این قسم روش خلاف طرزالعمل پیغمبر (ص) است. دستورالعمل را که پیغمبر (ص) تعقیب می نمود قرآن کریم به این قول حکایت می کند :

﴿ ٱدۡعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلۡحِكۡمَةِ وَٱلۡمَوۡعِظَةِ ٱلۡحَسَنَةِۖ وَجَٰدِلۡهُم بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُۚ ﴾ النحل: ١٢٥

ترجمه: « به سوی راه پروردگار خود به حکمت وپند نیک دعوت بده وهمرای شان به وجه پسندیده مبارزه کن »

وهمچنان این فرموده خداوند است :

﴿وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ ﴾ آل عمران: ١٥٩

ترجمه : « اگر درشت خوی وسخت دل می بودی ازاطراف تو پراگنده می شدند »

ونیزاین فرموده خداوند است که :

﴿ لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا

عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢٨﴾ ﴾
التوبة: ١٢٨

ترجمه: « يقينا پيغمبر از خود شما است به شما فرستاده شده آنچه كه شما را به مشقت مواجه مى سازد. دربالاى اومشكل تمام مى شود به هدايت شما حريص است وبراى مؤمنان مهربان ونرم دل است. بسا اوقات نهضت هاى اسلامى قبل ازمساعد نمودن زمينه وقت درپى محو ساختن منكرات جزئى و يا كلى مى شوند كه اين روش آنها را به مشكلات مواجه ساخته درآن زمان توان مقابله ان را ندرند، در واقع اين گونه سلوك دراين عصرجديد باعث كندى كار ومتوقف شدن آن مى گردد.

4- غلبه جزئي بركلى :

همچنان ازپديده هاى نامناسب توجه برخى ازجوانان مسلمان در بخش محدودى ازاسلام، اهمال وناديده گرفتن اساسات آن مى باشد. اشخاصى وجود دارند كه تنها خود را درلباس وپوشش اسلامى پابند دانسته، گروهى ديگرى به داشتن ريش، تسبيح وتحليل ومسواک توجه مصروف گردانيده و به ديگرامور اصلا توجۀ نمى كنند. برخى به تند روى وماده گرايى سرگرم شده و برخى هم به رهبانيت وتصوف وبعضى به فقه وتفقه، كه

هریک صرف خود را حق وانمود کرده دیگران را باطل می پندارد؛ ولی راه درست این است: جوانا ن طوری تربیه شوند که اسلام را به صورت واقعی و به ما هیت اصلی اش بفهمند. درهمه کارها طبق درجه بندی اسلام عمل نمایند، طوری که اهم را ازمهم مقدم شمرده ، هرموضوع را درچوکات شرعی اش وضع نموده به آن عمل نمایند.

5- غلبه شخصیت پرستی برمعتقدات :

ازپدیده های نامنا سب زیاده روی درفرمان برداری های بشری می باشد. جوانانی وجود دارد که نسبت به اساسات دینی به اشخاص زیاد ترتمایل وگرایش دارند که این روند سبب جنجال دربین جوانان مسلمان می گردد. علت اساسی این موضوع این است که دوستی ها به رضای خداوند نبوده بلکه به خاطر حزب گرایی وتعصب مَنشی بوده که خلاف اساسات دین،شریعت وقانون خداوند (جَ) است.

ــ ازخطرها وپیامد های این پدیده، نشأت اختلاف درمیان صفوف جنبش های اسلامی وبروز مرض تنوع درکارکردها،رتبه

ها وبیرق ها می باشد.
ـ ازخطرهای دیگر آن متوقف گردیدن عدالت، قضاوت شرعی واحکام اسلامی است،زیرا که تعصب وخواهشات نامناسب جاگزین ارزش های اسلامی می گردد.
ـ ازجمله نواقص دیگرشخصیت پرستی عقب گرایی، زیاده روی، کجروی ودرنتیجه رهبری وزعیم را نیز متضرر می سازد.
به تأیید موضوع فوق قول ابی بکرصدیق را ازنظرمی گذرانیم«کسی که محمد (ص) راعبادت می کرد محمد (ص) وفات نموده وکسی که خداوند(ج) را عبادت می کند خداوند (ج) همیش ودایم است. درحالی که اواین فرموده خداوند (ج) را تلاوت می کرد:
﴿ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ ٱلرُّسُلُ ۚ أَفَإِيْن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ ٱنقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَـٰبِكُمْ ۚ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ ٱللَّهَ شَيْـًٔا ۗ وَسَيَجْزِى ٱللَّهُ ٱلشَّـٰكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ ﴾ آل عمران: ١٤٤
ترجمه: « محمد (ص) نیست مگرفرستاده شده که قبل از او دیگرپیغمبرها گذشته اند. آیا اگراو فوت یا کشته شود شما به عقب برمی گردید، کسی که به عقب برمی گردد به خداوند هیچ ضرر وارد نمی تواند، زود است خداوند (ج)شاکرین را جزای نیک بدهد.» دستور وآیینی که لازم است ارتباط وپیوند های ما را محکم واستوار سازد ومردم به ذریعه آن ثابت بمانند. ازهمینجا

است که گفته می شود :مردم به وسیله حق شناخته می شود،نه حق به ذریعه مردم.

6- غلبه خواهشات برحقیقت :

اینجا پدیده دیگری وجود دارد که مظهرپیروی انسان ازخواهشات نفسانی وی می باشد. اشخاصی وجود دارند که صرف ازلذات وهوای نفسانی خود پیروی می کنند که این شیوه مخالف اساسات وتربیه اسلامی می باشد. تربیه اسلامی باید گرایش های فردی را محو نماید تا دوستی های محض به رضای خداوند جاگزین آن گردد. نظر به این فرموده خداوند (ج) :

﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ﴾ الأحزاب: ٣٦

ترجمه:« وقتی که خداوند کاری را فیصله نمود برای مرد وزن مؤمن مناسب نیست که درآن کار اختیار داشته باشند .»

7- فرق بین آنچه که بود وآنچه لازم است که باشد

ازپدیده های نامناسب شخصیت اسلامی معاصر، پذیرفتن

واقعیت وقناعت به آن است، زیرا که این موضوع نتایجی را متضمن آنچه که بوده نه آنچه که لازم است باشد گردانیده. بسا اوقات این دانش تحرک را بازداشته، مانع دست یافتن به اهداف می گردد، زیرا که برنامه ریزی دراین حالت مبنی واستوار بر توانایی های موجوده است نه به آن که قدرت وتوان مندی های که مناسب وبهتراست. فرق وتفاوت بین آنچه که بوده وآنچه مناسب است که باشد، مانند فرق بین حق وباطل می باشد که آن هدف دگرگونی است. لازم است که جوانان مسلمانان به همت عالی خود اشخاصی تربیه شوند که حق را تمیز نموده تا برتحقق دگرگونی اسلامی نایل گردند.

راه های عملی آماده ساختن جوانان مسلمان

وظیفه جوانان مسلمان وظیفه دگرگونی بوده درعین حال وظیفه دشوار ومشکلی است. واقعا واضح است که آمادگی جوانان نظربه مسئولیت بزرگ وسنگین شان وظیفه مشکلی است که به زودی توسط آن نیرومند خواهند گردید.

ازینجا است که ناگزیرقبل از ورود به تفصیل و تعریف آن لازم است که به تعریف تمایلات اساسی که موجب وسبب آمادگی می گردد بپردازیم.

1- آمادگی باید کامل باشد: به این معنی که تمامی جوانب

آمادگی را احتوا نماید. آمادگی فکری، نفسی وتحرکی بوده، تنها آمادگی فکری، نظری، روحی، تربیتی ویا سیاسی نبا شد. تا اینکه شخصیت اسلامی توانمندی دوام وتحقق اهداف مهم واساسی را داشته باشد.

2- آمادگی باید متوازن باشد: طوری که آمادگی تمامی نواحی اهداف را بدون کم وکاست احتوا نماید، زیرا که عدم توجه به این موضوع منجربه مختل گردیدن مساوات می گردد.

3- آمادگی باید واضح وهویدا باشد: به این معنی که منحصر به نظریات نبوده بلکه به روش وطرق تطبیق عملی وآماده ساختن زعیم نیک کردار اتکاء نماید. آمادگی نباید صرف ازخلال درس وموعظه آغازگردد، بلکه دارای تحرک وعملکرد ها نیز باشد. یقینا تحقق این موضوع اساسی درکارکرد وموجودیت یک شخصیت عادل که تندرو ، سختگیر وسهل انگارنباشد نیازمند است. امروزاسلام به همچوشخصیت که ازچنین اوصاف برخوردار باشد جداً نیازدارد.

اشاره هایی بر روش آمادگی جوانان مسلمان

روش پسندیده متضمن سه هدف مهم برای آمادگی می باشد:

الف) آمادگی فکری

ب) آمادگی نفسی

ج) آمادگی تحرکی

1- آمادگي فكري

هدف ازآمادگی فکری ایجاد دانش اسلامی در نزد جوانان مسلمان و داشتن فکر واندیشه سالم.

جوانان مسلمان زمانی که درکامل ترین طریقه در وظیفه قادر میشود ، دراین اثناء برتهداب گذاری فکری کامل ضرورت دارد.

الف) فرهنگ ودانش اسلامی: جوانان مسلمان لازم است که درآغاز به فرهنگ ودانش اسلامی مجهز باشند واین فرهنگ ودانش دقیق وعمیق ثابت وپایدار باشد. جوانان مسلمان درابتدا نیاز دارند که زندگی خود را به اساس فرهنگ و دانش اسلامی عیارسازند. بعدا دیگران را به سوی آن جذب نمایند کسی که خودش مالک چیزی نباشد به دیگران احسان کرده نمی تواند، به خاطرتشکیل فرهنگ ودانش اسلامی ازآموختن علوم ذیل ناگزیراست :

قرآن وتفسیرآن، حدیث نبوی ودانش آن، سیرۀ نبوی، حیات وزندگی صحابه کرام، فقه واصول ، علم عقیده ،علم تزکیه وپاکی نفس ونظم اسلامی .

مَنْ يُرِدْ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ(صحيح البخاري – 1 / 119)

ترجمه: « کسی را که خداوند اراده خیر کند او را به احکام شریعت آگاه می سازد.»

ب) فرهنگ ودانش عمومی: جوانان مسلمان با وجود مجهز بودن به ثقافت اسلامی باید به دیگر علوم نیز دسترسی داشته باشند، تا درتما م عرصه ها توانایی دفاع ومقابله را بامخالفین دین اسلام داشته باشند. چه زیبا گفته پیغمبر (ص) چنانچه می فرماید :

«من تعلم لغة قوم آمن مكرهم »

ترجمه :« کسی که زبان ولغت دیگرطایفه ها آموخت ازمکر شان محفوظ می ماند.»

«خذوا الحمۀ من ای وعاء خرجت.»

«حکمت ودانش را از هرظرفی که تبارز می کند آن را اخذ نمایید.» برای تشکیل فرهنگ ودانش عمومی از آموختن علوم آتی ناگزیراست: فرهنگ ودانش انسانی ، ثقافت علمی ، علوم اجتماعی ، علوم تاریخی.

2- آمادگي نفسي

هدف از آمادگی نفسی ایجاد اسلام واقعی نزد جوانان مسلمان می باشد. ذات اسلام خوی، عادت وطبیعت انسان را طبق احکام شرعی استوار وآماده می سازد. ازاسلام فتوی خواسته وبه آن عمل می کند، زیرتاثیر خواهشات، شهوات ومصلحت ها نمی باشد. واقعا آمادگی نفسی به مثابه جسد ظاهری برای آمادگی فکری وبیوگرافی عملی برای دانش اسلامی می باشد. درواقع آمادگی نفسی درآغاز تابع نمودن نفس بر وفق اساسات احکام وحدود شرعی بوده ودرمرحله دوم نفس ازمکلفیت های عبادی وتربیتی پیروی نماید. آمادگی نفسی درچوکات تربیتی تمثیل کننده ستون فقرات، قلب آگاه ومؤلد قوای دافعه ومحرکه برای عموم فقرات تربیه می باشد. ازینجا است کسانی که درامور تعلیم وتربیه جوانان سروکار دارند باید بدانند که آمادگی نفسی درتربیه جوانان به منزله سنگ زاویه دربنای شخصیت مسلمان می باشد. برای جوانان مسلمان لازم است که ازهمه بیشتر به تزکیه نفس وتصفیه باطن توجه نماید.

طوری که جوانان مسلمان برای جسم وقلب خود توجه داشته به آنها غذای لازمه را تهیه می کند که رشد نموده وتکامل یابند همچنان بر او لازم است که برای روح وقلب خود توجه

کرده غذای پاک ولازم را تهیه نماید، تا آن جوان به نفس خود مسلمان وبه قلب خود خدا پرست باشد. جوانان مسلمان اگر روحیه خدا پرستی را نداشته باشند اگرچه دارای فرهنگ ودانش هم با شند در وجود آنها خیر محسوس نمی شود، زیرا که اساس آنها به رضای خداوند بنا نگردیده است. درینجا علامات واشارات مکرری را درارتباط ارزش قلب ازقرآن کریم واحادیث نبوی به خوانش می گیریم :

درسوره (ق) :

﴿ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُۥ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى ٱلسَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ ﴾ ق: ٣٧

ترجمه: « یقینا درقران شریف پند ونصیحت برای کسی است که دارای قلب می باشد. قرآن کریم را دقیق گوش نموده که قلب وفهم او شاهد وگوا ه می باشد.»

درسوره شعراء:

﴿ يَوْمَ لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ ﴾

الشعراء: ٨٨ - ٨٩

ترجمه : « آن روزی که مال واولاد نفع نمی رسا ند مگرکسی که به قلب سالم که ازریا ونفاق بری ودورباشد.»

درسوره حجرات:

﴿وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ﴾ الحجرات: ٧

ترجمه : « خداوند (ج) ایمان را برای شما محبوب پنداشته وآن را در دلهای شما مزین ساخته است.»

درسوره مجادله :

﴿لَّا تَجِدُ قَوۡمٗا يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ يُوَآدُّونَ مَنۡ حَآدَّ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَلَوۡ كَانُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ أَوۡ أَبۡنَآءَهُمۡ أَوۡ إِخۡوَٰنَهُمۡ أَوۡ عَشِيرَتَهُمۡۚ أُوْلَٰٓئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٖ مِّنۡهُۖ﴾ المجادلة: ٢٢

ترجمه : « قومی را نمی یابی که به خداوند وروز آخرت ایمان داشته به همراهی کسانی که به خداوند ورسولش دشمنی کنند دوستی نما ید،گرچه آنها پدران، پسران، برادران ویا ازقبیله آنها هم باشد، ایمان دردلهای آنها ثابت مانده وآنها را توسط نورخود تایید می کند.»

ودراحادیث مطهره پیغمبر (ص) فرموده است :

« ألانسان عيناه هاد ، وأذناه قمع ،ولسانه ترجمان ،ويداه جناحان ورجلاه بريد ،والقلب منه ملك ،فإذا طاب الملك طابت جنوده.»

ترجمه: « چشمهای انسان راهنما است، گوشهایش ظرف، زبانش ترجمان، دستهایش بال، پا هایش قاصد وقلبش رئیس

وپادشاه، زمانی که پادشاه پاک نفس باشد لشکری او نیزپاک نفس می باشد.»

آثار ونشانه های زنده دلی

برجوانان مسلمان لازم است که قلب (دل) خود را غمخواری ومراقبت نموده و از احوال آن آگاهی داشته باشد، تا نهایت سنگدلی ونرمی، نهایت لطافت وسختی، نهایت تیزهوشی وکند ذهنی آن را بشناسد.

- ازدلایلی که به عافیت قلب اشاره می کند، تاثیر پذیری صاحبش به عوامل خیر ونصایح سودمند است. درمورد خداوند می فرماید:

﴿ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ ﴾ الأنفال: ٢

ترجمه: « کسانی که درهنگام یاد آوری خداوند دلهای شان می ترسد و زمانی که آیات او خوانده شود ایمان شان تقویه می شود و به پروردگار خود اعتماد دارند.»

ودیگرفرموده خداوند است که :

﴿ وَبَشِّرِ ٱلْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَٱلصَّٰبِرِينَ عَلَىٰ مَآ أَصَابَهُمْ وَٱلْمُقِيمِي ٱلصَّلَوٰةِ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾

﴾ الحج: ٣٤ - ٣٥

ترجمه : « به متواضعین بشارت بده، آنهای که خداوند (ج) یاد شود دلهای شان می ترسد، مژده بده برای صابران دربرابر آنچه به آنها رسیده ومژده بده به نمازگزاران واز آنچه به آنها روزی دادیم نفقه کنند.»

- وازدلایلی که به عافیت قلب اشاره می کند، استواربودن صاحبش دردین ودلیری او برحق است، چه زیبا فرموده پیغمبر ﷺ چنانچه بیان می دارد:

« إن لله تعالي في ارضه آنية ، وهي القلوب ... فأحبها إليه تعالي ارقها وأصفا ها وأصلبها ثم فسر ها : أصلبها في الدين ،وأصفا ها في اليقين وأرقها علي الاخوان.»

ترجمه: «خداوند (ج) را در زمین اوظرفی است که آن عبارت از دلها است. بهترین ونیکوترین شان نزد خداوند نرمترین، پاکیزه ترین ومحکم ترین شان می باشد. بعدا آن را تفسیرنموده فرمود : یعنی محکم ترین شان در دین ،پاکیزه ترین شان دریقین ونیک سلوک ترین شا ن با برادران شان.»

- ازدلایلی که به زندگی قلب اشاره می کند : خوف وترس صاحبش ازقهر وخشم خداوند، دوری ازمحارم وپرهیز ازگناهان می باشد. به تأیید آن این فرموده خداند است :

﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْاْ إِذَا مَسَّهُمْ طَٰٓئِفٌ مِّنَ ٱلشَّيْطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ ﴾ الأعراف: ٢٠١

ترجمه : « یقینا کسا نی که تقوی دارند وقتی که به آنها وسوسه عارض شود خداوند (ج)را یاد می کنند ، ناگهان ایشان حق وباطل را دیده وازآنچه که مخالف امرخداوند باشد می پرهیزند.»

- ازدلایلی که به زندگی قلب اشاره می کند عاری بودن شخص ازحسد، کینه وفریب می باشد. درحدیث شریف آمده گفته شد:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ قَالَ كُلُّ مَخْمُومِ الْقَلْبِ صَدُوقِ اللِّسَانِ قَالُوا صَدُوقُ اللِّسَانِ نَعْرِفُهُ فَمَا مَخْمُومُ الْقَلْبِ قَالَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ لَا إِثْمَ فِيهِ وَلَا بَغْيَ وَلَا غِلَّ وَلَا حَسَدَ (سنن ابن ماجه – 12 / 261)

ترجمه «از عبدالله بن عمرو روایت است که گفت شد : ای رسول خدا بهترین مردم کیست ؟فرمود :هرمؤمن مخموم القلب. و صادق اللسان . گفتند صادق اللسان را میشناسیم اما مخموم القلب یعنی چی ؟ فرمود: اوپرهیزگاری که در او فریب کاری ، سرکشی ، خیانت ، کینه وحسد نباشد.»

ازدلایلی که به عافیت قلب اشاره می کند اطمنان صاحبش به خداوند درهمه احیان، اطاعت وگردن نهادن به او درهمه حالات می باشد. نیک فرمود خداوند چنانچه بیان می دارد:

﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدۡرَهُۥ لِلۡإِسۡلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٖ مِّن رَّبِّهِۦۚ﴾ الزمر: ٢٢

« خداوند سینه کسی را که به اسلام فراخ گردانید اودارای نوری است ازجانب پروردگار خود»

پیغمبر (ص) درتفسیر این آیه فرمود:

« هوالتوسعة ، ان النور إذا قذف في القلب إتسع الصدر و انشرح »

ترجمه :« اوفراخی است. در واقع روشنای زمانی که درقلب انداخته شود سینه فراخ می شود.»

توجه به قلب

همه دلایل مذکور برجوانان مسلمان لازم می گرداند که به قلب خود توجه عمیق ودقیق داشته، آن توشه را برای قلب پیشکش نمایند که آن قلب خداپرست، قلب روشن وقلب خدا ترس ومطمئن باشد. پیغمبر(ص) جوانان را به کیفیت وچگونگی توجه راهنمای کرد تا در برابر رسالتی که به دوش دارند ،درمقابل چلنج های که مواجه می شوند وبه تحقق وظیفه دگرگونی که به راه انداخته اند توانایی داشته باشند.

اول: ذکرویاد آوري خداوند

یقینا یادآوری خداوند زندگی دلها ونیروی آن است. توسط آن تاریکی رفع ونرمی تحقق می یابد. درمورد پیغمبر (ص) می فرماید:

مَا عَمِلَ ابْنُ آدَمَ مِنْ عَمَلٍ أَنْجَى لَهُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ (موطأ مالك – 2 / 141معاذ بن جبل)

ترجمه : فرزند آدم هیچ عملی را انجام نداده است که بیشتر از ذکر الله برایش نجات دهنده باشد .

در واقع پیغمبر برای ما راه واضح را به خاطر ذکرخداوند به جا گذاشته است که تمام زندگی ما را احتوامی کند. اگرجوان مسلمان به آن عنصرالفت گرفته وآن را مانند تنفس هوا وخوردن غذا ازعناصر زندگی خودبگرداند، دایم درامور زندگی خود موفق وکامگارمی باشد. خداوند می فرماید:

﴿ إِنَّ فِي خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ لَءَايَٰتٍ لِّأُوْلِي ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا سُبْحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُۥ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿١٩٢﴾ ﴾ آل عمران: ١٩٠ - ١٩٢

ترجمه: «یقینا درپیدایش آسمانها و زمین ، اختلاف شب وروز نشانۀ برای اشخاص عاقل است. کسانی که خداوند را ایستاده ونشسته ودرحالت پهلو یادمی کنند. درپیدایش آسمانها وزمین می اندیشند ومی گویند: پروردگارا! تواین ها را عبث پیدا نکردی ترا پاکی است وما را ازعذاب خود درامن داشته باش، پروردگارا! توکسی را که به دوزخ فرستادی یقینا او را رسوا نمودی وظالمان را هیچ مددگاری نیست.»

پیغمبر (ص) فرمود:

الشَّيْطَانُ جَاثِمٌ عَلَى قَلْبِ ابْنِ آدَمَ ، فَإِذَا سَهَا وَغَفَلَ وَسْوَسَ ، وَإِذَا ذَكَرَ اللَّهَ خَنَسَ. (مصنف ابن أبي شيبة 235 – (13 / 369 عن ابن عباس قوله)

ترجمه : شیطان بر قلب فرزند آدم می نشیند. زمانیکه انسان غافل شد به وسوسه میپردازد و چون به ذکر الله مشغول شد شیطان پنهان میشود .

دوم: ارتباط به کتاب خداوند

یقینا ارتباط جوانا ن مسلمان به کتاب خداوند (ج) ،تلاوت آیات او وفکر اندیشه به معانی آن کتاب نزدیکترین وسیله به سوی خداوند و بزرگترین انگیزه برحسن سلوک می باشد.

پیغمبر (ص) برای ابی ذرغفاری وصیت می کند :

عَلَيْكَ بِتِلاوَةِ الْقُرْآنِ وَذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَكَ نُورٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَنَورٌ فِي الأَرْضِ (المعجم الكبير للطبراني – 2 / 214)

ترجمه: « لازم است که قرآن شریف را تلاوت کنی ؛ زیرا که این تلاوت در زمین برایت روشنای ودرآسمان برایت محفوظ است.»

درحدیث عبدالله بن مسعودآمده:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْدُبَةُ اللَّهِ ، فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَأْدُبَتِهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ ، إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ حَبْلُ اللَّهِ وَالنُّورُ الْمُبِينُ وَالشِّفَاءُ النَّافِعُ ، عِصْمَةٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ ، وَنَجَاةٌ لِمَنِ اتَّبَعَهُ ، لاَ يَزِيغُ فَيَسْتَعْتِبُ ، وَلاَ يَعْوَجُّ فَيُقَوَّمُ ، وَلاَ تَنْقَضِي عَجَائِبُهُ ، وَلاَ يَخْلَقُ عَنْ كَثْرَةِ الرَّدِّ ، فَاتْلُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْجُرُكُمْ عَلَى تِلاَوَتِهِ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ ، أَمَا إِنِّي لاَ أَقُولُ الم وَلَكِنْ بِأَلِفٍ وَلاَمٍ وَمِيمٍ (سنن الدارمي – 10 / 191)

ترجمه : «این قرآن مهمانی خداوند (ج)است آن را بپذیرید. یقینا این قرآن ریسمان خداوند، نور واضح وشفای نافع است، کسی که به آن چنگ زد او را حفاظت می کند وکسی که از آن اطاعت کرد او را نجات می دهد.»

شگفتی های قرآن نمی گذارد، ازتکرار وتلاوت کهنه نمی

شود. آن را تلاوت کنید ،خداوند (ج)شما را به تلاوت هرحرف ده نیکی می دهد. ولی من به شما نمی گویم که (الم) یک حرف است بلکه الف ولام ومیم هریکی به تنهای یک حرف مستقل است.

سوم: ترس ازخداوند (ج)

ترس ازخداوند (ج)جوانان مسلمان را ازگناه حفاظت نموده ازلغزش ها وفتنه ها دراماان داشته وقلب های شان را آماده می سازد که ازخداوند(ج) هدایت بخواهند نه ازخواهشات نفسانی خود. جوانان مسلمان باید بدانند که امر به سه قسم است :

1- امری که هدایت آن ظاهرگردد تابعداری شود.

2- امری که گمراهی اش ظاهرگردد ازآن اجتناب شود.

3- امری که دربالای شان مبهم ومشکل باشد وضاحت خواسته شود.

یقینا ترس خداوند (ج) درقلب جوانان ثابت مانده واحساس نزدیکی خداوند را عمیق تر می سازد. آیت شریف است که :

﴿ وَلَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ وَنَعۡلَمُ مَا تُوَسۡوِسُ بِهِۦ نَفۡسُهُۥۖ وَنَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ مِنۡ حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ ﴿١٦﴾ ﴾ ق: ١٦

ترجمه: « به تحقیق انسان را پیدا نمودیم، به آن چیزی که

نفس او وسوسه می کند می دانیم وما به آن شخص از رگ گردن نزدیک ترهستیم.»

دیگرآیت شریف است که :

﴿ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا۟ ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا۟ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ ﴾ المجادلة: ٧

ترجمه : « رازوگفتگوبین سه نفرنمی باشد مگرخداوند به علم خود چهارم شان می باشد و نه بین پنج نفرمگرخداوند به علم خود ششم شان است، نه کمتر ونه زیاد ترازآن. هرجا که باشند خداوند (ج) همرای شان است. بعدا ایشان را به آنچه عمل کردند در روز قیامت آگاه می سازد، خداوند به هرشی عالم ودانا است.»

دیگرقول خداوند است :

﴿ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَىٰهُم ۚ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ ﴾ الزخرف: ٨٠

ترجمه : «آیا گمان می کنند که ما آنچه رادر دلهای خود راز پنهان می گویند نمی شنویم؟ بلکه می شنویم ورسولان اعمال شان را می نویسد. »

چهارم : جهاد با نفس

درچوکات آمادگی نفسی جوانان مسلمان را درمی یابی که بانفس خود درکشمکش ومجادله هستند. نفس اگر در لجام تقوی لجام کرده نشود، انسان را به کارهای بد وزشت وادار می سازد. خداوند(ج) درقرآن کریم می فرماید:

﴿ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى ٱلنَّفْسَ عَنِ ٱلْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ ٱلْجَنَّةَ هِىَ ٱلْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾ ﴾ النازعات: ٤٠ - ٤١

ترجمه: « اما کسی که ازپروردگارخود بترسد ونفس را ازخواهشات نفسانی باز دارد یقینا بهشت جای اوست.»

درآیت دیگرمی فرماید:

﴿ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّىٰهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّىٰهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّىٰهَا ﴿١٠﴾ ﴾ الشمس: ٧ - ١٠

ترجمه : « قسم به نفس وبه اوذاتی که نفس را به شکل درست ومنظم ساخته است وبه آن نفس زشت بودن گناه وحسن تقوی را الهام کرد، یقینا کسی که نفس خود را توسط عمل صالح پاک نمود کامیاب است وکسی که مزایای انسانیت اش را به گناهان پنهان وآلوده ساخت زیان مند است.»

واقعا برجوانان مسلمان لازم است که به طورهمیش با نفس خود جهاد نمایند، ازخوراک، شراب، لباس، نظر، شنیدن

وشهوت بیهوده وبی فایده بازدارند. پیغمبر(ص) راست گفته چنانچه می فرماید:

الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (مسند أحمد – 48 / 496 عن فضالة بن عبيد)

ترجمه: «مجاهد کسی است که با نفس خود درطاعت خداوند عزوجل جهاد نماید.» (این حدیث را ترمذی روایت نموده است)

خلاصه ، جوانان مسلمان قبل ازاینکه برایجاد دگرگونی جامعه دعوت شوند بهتراست درایجاد دگرگونی اسلامی ودرتضمین نفس خود دعوت شوند. حضرت علی (رض) فرمود : «کسی که خود را به صفت زعیم منصوب می کند باید قبل ازتعلیم دیگران به تعلیم نفس خود بپردازد، قبل ازاینکه چیزی می گوید خودش به آن عمل کند. معلم ومؤدب نفس ازمعلم مردم ومؤدب شان محترم تراست.» یقینا کامیاب واقعی کسانی اند که درمقابله ومجادله درمیدان دگرگونی نفس خود را حفظ نمودند گرچه درامور دنیوی تاوان نمایند. وزیان مندان واقعی کسانی اند که درمجادله با نفس شکست خورند گرچه درامور دنیوی فایده نمایند.

پنجم: آمادگی حرکی

هدف ازآمادگی تحرکی، آمادگی وتمرین جوانان درامورى است که به حرکت اسلامی وجایگاه آن تعلق بگیرد وهمچنان آن آمادگی که درمحیط دعوت وحل مشکلات آن ارتباط داشته وبه آموختن بهترین وسایل علمی جدیدی که باورها را می سازد نیازدارد. آمادگی تحرکی مانند مانورهای قبل ازجنگ است که افراد جنگی می آموزند. تا زمانی که لشکری ها این تمرین ها را نیاموزند جنگ را تسخیر کرده نمی توانند. میدان کارکردهای اسلامی با وجودی که به وسایل مختلف راه اندازی می شود؛اما درواقع همانند کاروزار جهاد است. جوانان درساحه دعوت همانند لشکر درحالت جنگ می باشند قبل ازاینکه درمیدان حقیقی بروند باید وسایل نظری را بدانند. بسا دانشمندان درصحنه های مختلف علم شا ن متوقف ، خود شان محبوس وزمینه استفاده ازدانش شان محدود ومشکل گردیده ،آن ازسبب کم آگاهی ویاکناره گیری شان ازکارهای میدانی می باشد.

از ویژگی های آمادگی حرکی :

- آموختن حقیقت حرکت اسلامی
- دانستن حقیقت حرکت جاهلی

- دانستن محیط وجامعه
- دانستن روش های اجتماعی ،اقتصادی وسیاسی که آرزوهای عمومی را تمثیل می کند
- دانستن علوم تجربوی وامتحانی

ودراخیرتمرین جوانان مسلمان به مواد زیر:

- تمرین طاعت وعبادت خداوند (ج)؛ ازقبیل نماز با جماعت، سهیم گردیدن در روزه وحج، اشتراک درمجا لس علم وذکر، یاد آوری مرگ، تحقیق وبررسی احادیث نبوی، باور و اعتماد به تلاوت، حفظ وتفسیر قرآن کریم وهمچنان تعلق به احادیث نبی | وخلفای راشدین.
- تمرین جوانان به شیوه ها و روش های دعوت، مانند شیوه و روش توجیه[1] وراهیابی، روش مناظره، روش ترغیب وترهیب، روش داستان پردازی.

---

[1] – توجیه : ایراد سخن بروجهی که پاسخ کلام خصم داده شود ، بد گفتن سخن که محتمل دومعنی باشد مانند :

خاط لی عمرو قباء   لیت عینیه سواء .

عمرو که یک چشم داشت برایم قبایی دوخت ، کاش هردو چشمش یکسان میبود

- تمرین نظم وبرنامه ریزی، اداره، رهبری ...
- تمرین درتحمل وبه دوش گرفتن کارهای سخت و دشوار.

تصمیم، حوصله مندی و اراده قوی دربرابر تمامی حوادث وجستجوی راه های حل آن .

جوانان نباید ازجمله کسانی باشند که شاعر اشاره می کند :

خطرات النسیم تجرح خدیه / ولمس الحریر یدمي بنانه

ترجمه: «روشنایی ووزش باد صباح رخسارهای او را داغدارمی کند / ولمس ابریشم انگشتان او را خون آلود می سازد»

دراخیر وظیفه جوانان مسلمان معاصر وظیفه مشکل ودشوار بوده که حوادث زیادی را درپی دارد. در واقع وظیفه احیا واستوارساختن اسلام در زندگی مردم به نسل خداپرستی جدیدی که درنقش قدم نسل خداپرست ماضی استوارباشند نیازمند است، که دراین روز مؤمنان به نصرت خداوند متعال پیروز می شوند.

فهرست موضوعات